

سخن دل

(این نوشتار به وحی الهی است)

ما پروردگار عالم هستی در شبی که برای فرزندان شهریار ولی حاصلی خاص و خارق العاده در ذخیره داریم پیامی را با عنوان سخن دل با شهریارمان در میان میگذاریم. میشد این سخن را در قالب شعری زیبا ریخت ولی با توجه به اینکه اقبال و پذیرش اشعار تنها در میان گروه خاصی از ایرانیان و ایراندوستان موج میزند ترجیح دادیم که سخن دل را با لفظی عامه پسندتر در اختیار گذاریم. حال این سخن را که بشکل پیامی به شهریار رسانده میشود در اینجا مینگاریم. باشد تا موجبات تلمذ و آموزش ایمانداران و لذت همگان را با مشاهده عشق عمیق پدر و فرزندی فراهم آورد:

شهریارم، شبی که در پیش است برای تو حاوی دو پدیده ای خواهد بود که مدت‌هاست انتظارشان را داشته ای و برای حصولشان روزشماری میکردی. این دو پدیده نه تنها علو بیحدی را که در وجود شما نهادینه اند ایم بتبلور میرسانند بلکه امکان ظهور شما را نیز پدید میآورند. خبر ظهوری که فردا صورت میدهد بسرعت عالم هستی را فرا میگیرد و بزودی کمتر کسی در دنیای خاکی خواهد بود که نام شما به گوشش نرسیده باشد. هر گاه ایرانیان شما را در میان جامعه خود داشته باشند تصویری که چنین شور و حالی بذهن میدهد همانا تداعی آفتابی ست که بر یک جلگه تاریک هرچند پرآب نمایان میگردد. پر آب بودن این جلگه حکایت از فرهنگ غنی ملت ایران دارد که اینک در تاریکی حکومتی درنده خو درگیر و گرفتار است. شهریار ولی با خود آفتابی را بارمغان میآورد تا به این جلگه زندگی بخشد و تلوؤ آبهایش میراث دار حیاتی خواهد بود که در بر دارد. از این استعاره بهره گرفتیم تا به ایرانیان زنده شدن فرهنگ دیرینی را که گرد ایام مکدرش ساخته نوید دهیم. شهریارم تو در آستانه ظهور هستی و عشقی که تا کنون از ما پدر آسمانی دریافت داشته ای در فردای ظهور چندین برابر میشود و نوری که در دل داری چنان تابشی میابد که مجموع ایندو ترا با ما در یک طراز قرار خواهد داد. حال آماده شو تا شبی بسازیم که در هیچ رؤیایی برایت متصور نبود...